

رابطه سبک‌های تفکر و رضایت زناشویی دانشجویان متاهل

The relationship between thinking styles and marital satisfaction among married students

Hanieh Abdolrezaei Bazardehi

Master of Science in General Psychology, Islamic Azad University, Qods Branch, Tehran, Iran.

حانیه عبدالرضائی بازاردی^۱

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قدس، تهران، ایران.

Abstract

Marital satisfaction is one of the important factors that affects the family and helps maintain married life. The aim of the present study was to investigate the relationship between thinking styles and marital satisfaction of married students. The method of this study is correlational. Its population includes all married students, of whom 100 were selected by convenience sampling. The Thinking Styles Scale (TSI) questionnaire and the ENRICH Marital Satisfaction Questionnaire were used. Pearson correlation test was used to analyze the data. The findings showed that there is a negative and inverse relationship between marital satisfaction and thinking style ($r=-0.26$; $P<0.05$). Based on the results, it can be said that understanding people's thinking styles leads to an increase in feelings of satisfaction and personal satisfaction, which ultimately has a positive effect on overall marital satisfaction.

Keywords: Thinking styles, marital satisfaction, students, married.

چکیده

رضایت زناشویی از جمله عوامل مهمی است که بر خانواده اثر می‌گذارد و باعث حفظ زندگی زناشویی می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های تفکر با رضایت زناشویی دانشجویان متاهل بود. روش این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آن شامل تمامی دانشجویان متاهل که از این بین ۱۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. پرسشنامه‌های مقیاس سبک‌های تفکر (TSI) و پرسشنامه رضایت زناشویی ENRICH مورد استفاده قرار گرفتند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته نشان داد بین رضایت زناشویی و سبک تفکر رابطه منفی و معکوسی وجود دارد ($r=-0.26$; $P<0.05$). بر اساس نتایج می‌توان گفت شناخت از سبک‌های تفکر افراد منجر به افزایش احساس رضایت و رضایت شخصی شده که در نهایت بر رضایت کلی زناشویی تأثیر مثبت می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های تفکر، رضایت زناشویی، دانشجویان، متاهل.

مقدمه

ازدواج یکی از طولانی‌ترین و عمیق‌ترین ارتباطاتی است که همه ابعاد روانی - معنوی - اجتماعی - اقتصادی و زیستی را یکجا در بر می‌گیرد و سر منشاء تشکیل واحد بنیادی جامعه یعنی خانواده می‌باشد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۹). خانواده نیز مهم‌ترین کانون تعهدات عاطفی، اخلاقی و قانونی افراد بشمار می‌رود (سیمسون ۱۹۹۰؛ به نقل از بهاری، ۱۳۸۸). از آنجایی که روابط زناشویی سالم و ماندگار، حاکی از یک نظام جهت مند و باورهای به اشتراک گذاشته شده است (موسوی و همکاران، ۱۳۸۴؛ رضایت زناشویی^۱ نیز فرایندی است که در طول زندگی زوجین به وجود می‌آید و شامل چهار حیطه جاذبه بدنی (جسمی)، تفاهم، طرز تلقی و سرمایه گذاری است. همسرانی که از کیفیت ارتباط یا تفاهم خوبی برخوردارند، از وضعیت تندرستی نیز بهره مندند (تامباگ، تیوران، تولیون و کن^۲، ۲۰۱۸؛ کیانی و همکاران، ۱۳۹۹). رضایت زناشویی وضعیتی است که در آن زن و همسر در بیشتر موارد احساس خوشبختی، رضایت از ازدواج و رضایت از همدیگر دارند و به عنوان یکی از شاخص‌های مهم و تعیین کننده در استحکام خانواده محسوب میشود (کارتی و برادبری^۳، ۲۰۲۰). این رضایت متأثر از عوامل مختلفی است که از آن میان می‌توان به عوامل اقتصادی، اعتقادات مذهبی، آداب و سنن اجتماعی، عوامل جسمانی، تفاهم فکری، ارضای عاطفی و ارضای جنسی اشاره کرد (ریدلی و کرو ترجمه موسوی، ۱۴۰۰). به طوری که تنش‌های روانی کمتری تجربه می‌کنند، به میران کمتری الکل و سیگار مصرف می‌کنند (سالوادور، گاردنر و کندلر^۴، ۲۰۲۰).

همچنین ارتباط زناشویی ارتباطی است که اغلب انتظار داریم در سایه آن هر نوع نیازی را در حد رضایت ارضاء کنیم و به آرمان‌های خود جامع عمل بپوشانیم. رضایت زناشویی به معنای داشتن ذهنیت خوشایند نسبت به جنبه‌های مختلف ازدواج بین زوجین است و این ذهنیت مستقیماً بر کیفیت زندگی آنها تأثیر می‌گذارد (جعفر بگلو و همکاران، ۲۰۱۹). این رضایت متأثر از عوامل مختلفی است که از آن میان می‌توان به عوامل اقتصادی، اعتقادات مذهبی، آداب و سنن اجتماعی، عوامل جسمانی، تفاهم فکری، ارضای عاطفی و ارضای جنسی اشاره کرد (اسماعیلی، ۱۳۸۸). اسمیت (۱۹۸۵) دریافت که بین رضایت زناشویی گروه‌های زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد. با وجود این، فاووز (۱۹۹۱)، در بررسی رضایت‌مندی زناشویی مشاهده کرد که مردان بیش از زنان، ازدواج خود را با توجه به شاخص‌های مالی، والدینی، خانواده و دوستان و شخصیت همسر خود مثبت‌تر گزارش کرده‌اند (حمیدی، ۱۳۸۶؛ زندی پور و مهرآور مومنی، ۱۳۹۰).

رضایت زناشویی از جمله عوامل مهمی است که بر خانواده اثر می‌گذارد و باعث حفظ زندگی زناشویی می‌شود (ظریفی و زارعی، ۱۴۰۲) در همین راستا بررسی عواملی که با رضایت زناشویی زنان و مردان رابطه دارد اهمیت دارد. در این میان نقش سبک تفکر قابل توجه خواهد شد چرا که با شناخت سبک تفکر موارد بسیاری همچون توقعات زوجین از یکدیگر، نحوه ارتباط آنان، روش اخذ تصمیم در قبال مشکلات و حل و فصل اختلافات روزمره زندگی و... نیز شناخته می‌شود و اعتقاد بر این است که با مدنظر قراردادن سبک تفکر یکدیگر افرادی توانمند روابط سالم صمیمانه و صادقانه داشته باشند و آن را جایگزین روابط مخرب، منفی و تحقیرآمیز نمایند و نیز قادر خواهند بود که از فشارهای روانی خود و دیگران بکاهند و از زندگی لذت بیشتری ببرند (اسماعیلی، ۱۳۸۸) و رضایت بیشتری از زناشویی خود احساس کنند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۹).

¹ Marital Satisfaction² Tambag, Turan, Tolun & Can³ Karney & Bradbury⁴ Salvatore, J. E., Gardner, C. O., & Kendler

تفکر فرایندی است که در سرتاسر زندگی ما حضور دارد و به علت نقش کلیدی و تعیین کننده‌ای که دارد، بر تمام جنبه‌ها و خصوصیات درون فردی و میان فردی ما تأثیر می‌گذارد. یکی از زمینه‌ای مربوط به تفکر که شایان توجه بوده و پژوهش حاضر به دنبال آن است، سبک‌های تفکر^۱ است، یعنی شیوه‌های متفاوت افراد در پردازش اطلاعات را می‌باشد. سبک تفکر در واقع روش رجحان یافته تفکراست یک توانایی نیست بلکه چگونگی استفاده فرد از توانایی هایش اشاره دارد. اگر چه ممکن است افراد در توانایی‌ها مشابه باشند، اما در سبک‌های تفکر از یکدیگر متفاوت اند (سیف، ۱۳۹۸).

به عبارت دیگر، انسان در اداره‌ی فعالیت‌های خود، شیوه‌هایی برمیگزیند که با آن احساس راحتی بیشتری دارد. شیوه‌ها به تنهایی با قابلیت‌ها یا توانایی ارتباط ندارند، بلکه نحوه بیان یا به کارگیری یک یا چند توانایی را نشان می‌دهند (فاضل و همکاران، ۱۳۹۰؛ کیانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ ظریفی و زارعی، ۱۴۰۲). اینکه افراد جامعه چه نگرشی نسبت به سبک تفکر و رضایت زناشویی دارند، یعنی نوع تفکر و باورشان نسبت به این موضوع چگونه می‌تواند باشد (استرنبرگ، ۱۹۹۷؛ نصوحی و ذاکری، ۱۳۹۶).

با توجه به این امر که سبک‌های تفکر از جمله عوامل شناختی مهمی هستند که می‌توانند در شیوه زندگی و ارتباط و سلامت افراد نقش به‌سزایی داشته باشند (فولادی و شهیدی، ۱۳۹۴). سبک‌های تفکر می‌تواند به کیفیت زندگی فرد کمک کند، اما منشأ مشکلات او نیز می‌باشد. سبک‌های تفکر بر تفسیر افراد از رویدادها به درستی یا نادرست تأثیر می‌گذارد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۹). پژوهش‌ها نشان دادند که مردان بین رضایت زناشویی و مؤلفه‌های الیگارش، جزئی‌نگر، درون‌نگر و مؤلفه محافظه‌کار و در زنان بین رضایت زناشویی و مؤلفه‌های الیگارش و محافظه‌کار ارتباط معناداری وجود دارد. در پژوهشی نیز به پیش‌بینی سلامت روان و سازگاری زناشویی براساس بخشش و سطح تفکر پرداختند نتایج نشان داد که تفکر تکراری در پیش‌بینی رضایت زناشویی نقش چشمگیری دارد (گوموس و کیسلاک^۲، ۲۰۱۹). همچنین در مطالعه‌ای دیگر بین رضایت زناشویی با سبک‌های تفکر قانون‌گذار، اجرایی، سلسله‌مراتبی، آنارشی، جزئی‌نگر، درون‌نگر، برون‌نگر رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین رضایت زناشویی با سبک قضاوتی، سبک الیگارش، همبستگی منفی و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که سبک‌های تفکر قانون‌گذار، سلسله‌مراتبی، جزئی‌نگر، درون‌نگر توانسته‌اند ۹/۵۶ درصد از واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند (ظریفی و زارعی، ۱۴۰۲).

سبک تفکر یکی از عوامل شخصی است که بر همسازی و ناهمسازی زناشویی تأثیر می‌گذارد، به همین دلیل تحقیقات بسیاری درباره آن انجام شده‌است. این تحقیق به تعیین علل جدایی‌ها پس از وقوع آن‌ها نمی‌پردازد بلکه با مشخص کردن نحوه تأثیر رابطه سبک تفکر با رضایت زناشویی کوشش می‌کند تا زمینه‌های روان‌شناختی را که به این رضایت‌مندی منتهی می‌شوند شناسایی کند. با شناخت این زمینه‌ها می‌توان در سطوح مختلف مداخله کرد. میزان ازدواج‌ها با خطر بالا را کاهش داد، بر رضایت و شادکامی از ازدواج‌های موجود افزود و از بعضی ناسازگاری‌ها پیشگیری به عمل آورد و از طریق بسیاری از نابسامانی‌های خانوادگی که منجر به هدر رفتن نیروهای عظیم انسانی می‌شود جلوگیری کرد. لذا عاملی است که باید مورد توجه و تأکید بسیار قرار گیرد تا از طریق ارتقای سطح رضایت‌مندی زناشویی بتوان افراد و جامعه را با آرامش خاطر بیشتر به‌سوی پیشرفت، موفقیت و سلامت رهنمون کرد (اعظمی، ۱۴۰۰). اقتضای رسیدن به این مهم، انجام پژوهش‌ها و بررسی متعدد در زمینه‌های گوناگون مرتبط با تفکر است. پژوهش در مورد آن‌ها اطلاعات و راهنمایی‌های مفیدی را برای کمک و هدایت افراد به سمت زندگی سالم به دست می‌دهد از جمله حیطه‌هایی که می‌تواند تحت تأثیر سبک تفکر دست‌خوش تغییرات عمیقی گردد، خانواده است. خانواده در اکثر جوامع، یکی از عوامل مهم در رشد آدمی است که تأثیر آن بر فرد بدون مقدمه آغاز و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار می‌شود و امکان دارد در سرتاسر زندگی شخص باقی بماند (صالحی فدری، ۱۳۸۳). بنابراین اثر نارضایتی

¹ styles thinking² Gumus & Kislak

و بی‌ثباتی‌های خانوادگی بر سلامت روانی فرد و جامعه از موضوعات مهمی است که ضرورت تحقیق در مورد آن واضح و مبرهن است.

حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا بین سبک تفکر و رضایت زناشویی در بین زنان و مردان متأهل، رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از حیث هدف، پژوهشی کاربردی و از منظر گردآوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی از نوع پیمایشی و همبستگی است. جامعه آماری آن تمامی دانشجویان زن و مرد متأهل (۲۰ تا ۴۰) ساله بودند. تعداد نمونه در این پژوهش ۱۰۰ نفر بود که شامل ۵۰ نفر مرد و ۵۰ نفر زن به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل آماری کمی داده‌ها به وسیله آماراستنباطی انجام گرفت و از طریق مقایسه میانگین نمرات آزمودنی‌ها به وسیله آزمون t برای گروه‌های مستقل، انجام شد.

الف) پرسشنامه رضایت زناشویی (ENRICH)

پرسشنامه رضایت زناشویی توسط السون و همکاران (۱۹۸۹) طراحی و ساخته شد. فرم اولیه آن ۱۱۵ سوالی است اما در این پژوهش از فرم کوتاه این پرسشنامه که شامل ۴۷ سوالی و توسط سلیمانیان (۱۳۷۳) به فارسی برگردانده شده است. در ۱۲ مقیاس فرعی (پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و بچه‌ها، وابستگی و دوستان، نقش‌های مربوط به برابری زن و مرد، جهت‌گیری عقیدتی) می‌باشند. این پرسشنامه به صورت ۵ گزینه‌ای (لیکرت) نمره‌گذاری می‌شود (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱). برخی از سوالات به صورت معکوس نمره داده می‌شوند. نمرات بالاتر نشان دهنده رضایت زناشویی بیشتر است. میانگین نمره‌ها برابر با ۵۰ و انحراف معیار برابر با ۱۰ می‌باشد. در پژوهش مهدویان، ضریب همبستگی پیرسون در روش بازآزمایی (به فاصله یک هفته) برای گروه مردان ۰/۹۳۷، برای گروه زنان ۰/۹۴۴ و برای گروه مردان و زنان ۰/۹۴ به دست آمد. این ضرایب در همین پژوهش برای خرده مقیاس‌های تحریف‌آرمانی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات طلبی و جهت‌گیری مذهبی گروه زنان و مردان به ترتیب از این قرار است: ۰/۷۲، ۰/۸۵، ۰/۷۶، ۰/۷۶، ۰/۷۶، ۰/۸۱، ۰/۶۳، ۰/۶۹، ۰/۸۷، ۰/۶۹، ۰/۶۲، ۰/۷۳. ضریب آلفا در فرم ۴۷ ماده‌ای پژوهش سلیمانیان (۱۳۷۳) ۰/۹۲ به دست آمده است. همچنین پایایی این پرسشنامه با روش بازآزمایی برای مردان ۰/۸۷ و برای زنان ۰/۸۳ گزارش شده است (عبدالله زاده، ۱۳۸۲).

ب) پرسشنامه سبک‌های تفکر (TSI)

پرسشنامه سبک‌های تفکر یک آزمون مداد و کاغذی است که از ۲۴ سؤال تشکیل شده است این ابزار به وسیله استرنبرگ و وگنر^۱ (۱۹۹۲) طراحی شده است. در این پرسشنامه هر ۵ سؤال یکی از ۱۳ سبک تفکر را ارزیابی می‌کند. ۱۳ سبک تفکر وجود دارد که براساس پنج بُعد کارکرد (قانون‌گذارانه، اجرایی، قضایی)، شکل (موناکی، سلسله مراتبی، الیگاری، آنارکی)، سطح (کلی و جزئی)، دامنه (درونی و بیرونی) و گرایش (آزادمنشانه و محافظه‌کارانه) می‌باشد. با استفاده از روش لیکرت با نمره‌های ۱-۵ (۲-۴-۵) از (بسیار موافقم) تا (بسیار مخالفم) برای هر گزینه نمره‌گذاری می‌شود. پرسشنامه سبک‌های تفکر در مطالعات مختلف ضرایب الفای کرونباخ قابل قبولی را نشان داده است. ضرایب الفای کرونباخ برای سیزده سبک در مطالعات مختلف از ۰/۴۳ تا ۰/۸۰ گزارش شده است (زانگ، ۲۰۰۴؛ زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۰). روایی درونی آن را از طریق تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی

¹ Sternberg & Wagner

و با استفاده از چرخش اوبلیمین مطالعه کرد. چهار عامل $0/73$ از واریانس داده‌ها را تبیین کردند. جهت محاسبه پایایی، پرسشنامه اولیه توسط استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۲) روی نمونه ۸۵ نفری دانشجویی اجرا گردید و ضریب پایایی برای سبک‌های اجرایی، قضایی، قانون‌گذار و کلی پرسشنامه به ترتیب برابر $0/72$ ، $0/81$ ، $0/76$ و $0/78$ گزارش شده است. در ایران نیز فرزاد و همکاران (۱۳۸۶) در جامعه ۴۱۹ نفری دانشجوی به منظور تعیین روایی TSI از مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی معنادار به دست آمده و برای بررسی پایایی TSI از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شد و بین $0/54$ تا $0/72$ گزارش گردید. در این پژوهش با روش ریچاردسون ضریب پایایی $0/88$ به دست آمده است.

یافته‌ها

یافته‌ها در جدول ۱ نشان داد کل نمونه آماری ۱۰۰ نفری از ۶۸ نفر (۶۶/۷ درصد) مرد و ۳۴ نفر (۳۳/۳ درصد) زن تشکیل شده است. همچنین از نظر سنی ۳۹ درصد بین ۲۰-۳۰ سال و ۶۱ درصد بین ۳۱-۴۰ سال، سن داشته‌اند که از این تعداد بیشترین درصد متعلق به ردیف سنی ۳۱-۴۰ سال است. از این تعداد بیشترین درصد آن‌ها دارای تحصیلات دیپلم بودند یعنی درحال ادامه تحصیل بودند و بعد از آن بیشترین آمار مربوط به دانشجویان دارای مدرک لیسانس و پس از آن فوق دیپلم است. بنابراین بیشتر افراد این گروه سطح تحصیلات آنان دیپلم بود. (زیردیپلم در این گروه وجود ندارد زیرا همه آن‌ها به دانشگاه راه پیدا کرده‌اند).

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد نمونه آماری مورد نظر بر اساس جنسیت

متغیر	شاخص‌ها	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
جنسیت	مرد	۶۸	۶۶.۷	۶۶.۷
	زن	۳۴	۳۳.۳	۱۰۰.۰
سن	۲۰-۳۰	۳۹	۳۹.۰	۳۹.۰
	۳۱-۴۰	۶۱	۶۱.۰	۱۰۰.۰
تحصیلات	دیپلم	۵۴	۵۴.۰	۶۲
	فوق دیپلم	۱۵	۱۵.۰	۷۳
	لیسانس	۲۷	۲۷.۰	۹۸
	فوق لیسانس	۴	۴.۰	۱۰۰

همچنین شاخص‌های توصیفی متغیر سبک تفکر و زیر مقیاس‌های آن و رضایت زناشویی نیز در جدول ۲ بررسی شد.

جدول ۲ آماره‌ی توصیفی سبک‌های تفکر در دانشجویان

متغیر		کل (۱۰۰)
		میانگین
		انحراف معیار
رضایت زناشویی		۲۶۷.۰۳
سبک تفکر		۲۳۸/۵۷
سبک تفکر	قانونی	۱۷/۱۳
	اجرایی	۱۸/۱۶
	قضایی	۱۶/۰۲
	کلی نگر	۱۷/۷۸
	جزئی نگر	۱۹/۰۴
	آزاداندیش	۱۷/۵۰
	محافظه کار	۲۱/۱۹
	سلسله مراتبی	۱۸/۵۲
	تک قطبی	۲۰
	الیگارشی	۱۹/۱۵
	آنارشی	۱۹/۸۳
	درونی	۱۸/۲۳
	بیرونی	۱۸/۲۸
	خلاقیت	۱۱۱/۸۷

همان‌گونه که از جدول ۲ استنباط می‌شود، نمرات میانگین و انحراف استاندارد، رضایت زناشویی به ترتیب ۲۶۷/۰۳ و ۷۰/۹۴ است و پرسشنامه سبک تفکر نمرات میانگین و انحراف استاندارد به ترتیب ۴۲/۱۶ و ۱۰/۲۵ است. در مولفه‌های سبک تفکر یافته‌های نشان دهنده‌ی این است که کم‌ترین و بیش‌ترین میانگین به ترتیب مربوط به سبک‌های تفکر قضایی و محافظه‌کار بوده است و این بدان معنی است که بیش‌تر دانشجویان از نظر عملکرد، تفکری محافظه‌کارانه و کم‌تر قضایی داشته‌اند. در ادامه به روابط بین این دو متغیر پرداخته شد.

جدول ۳. ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های پرسشنامه سبک تفکر، با رضایت زناشویی

متغیرها	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی پیرسون
نزدیکی	*۰.۲۶-	۰.۰۴

همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد: مقدار همبستگی بدست آمده بین رضایت زناشویی و سبک تفکر برابر است با ۰/۲۶ که نشان دهنده رابطه منفی و معکوسی در سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد ($P < 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر و رضایت‌مندی زناشویی می‌باشد. نتایج نشان داد که بین رضایت زناشویی و سبک‌های تفکر رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد، به طوری که هر چه سبک تفکر افراد بشر دوستانه‌تر باشد،

رضایت زناشویی بالاتری خواهند داشت. این یافته ها با پژوهش گوموز و کیسلاک (۲۰۱۹)؛ کیانی و همکاران (۱۳۹۹) و ظرفی و زارعی (۱۴۰۲) همسو می باشد. در تبیین یافته های حاضر می توان این گونه گزارش کرد آنچه در زندگی برای ما اتفاق می افتد، نه تنها به میزان درست اندیشیدن، بلکه به چگونگی تفکر ما نیز مربوط است. همین طور یکی از اصول اساسی روانشناسی تربیتی معاصر این است که سطح اندیشیدن دانش آموزان، به عنوان یکی از مهم ترین پیش بینی کننده های موفقیت آن ها در مدرسه قلمداد می شود.

رابرت استرنبرگ (۱۹۹۴)، شیوه های متفاوت افراد در پردازش اطلاعات را به عنوان «سبک های تفکر» نام گذاری کرده است. به نظر او، شیوه های تفکر به عنوان شیوه های ترجیح داده شده در بکارگیری استعدادها تعریف می شود. از نظر وی، سبک تفکر، روش رجحان یافته تفکر است. البته سبک تفکر یک توانایی نیست، بلکه به چگونگی استفاده فرد از توانایی هایش اشاره دارد (سیف، ۱۳۹۸). همچنین بر اساس نظریه شناختی- تجربی "خود"، افراد با سبک های تفکر متفاوت، به طور متفاوتی به اشکال متفاوت حمایتی در زمان های استرس و یا مشکل پاسخ می دهند (فنگ و لی^۱، ۲۰۱۰) و سبک های تفکر با هیجانات و احساسات و چگونگی ابراز آنها و نیز تعهد بر عهده دارند (زانگ^۲، ۲۰۰۸) با رضایت زناشویی در ارتباط قرار گیرند (ظرفی و زارعی، ۱۴۰۳).

از نظر استرنبرگ (۱۹۹۷)، تمایز بین سبک و توانایی نیز مهم است. توانایی به از عهده بر آمدن کاری به طور مناسب اشاره دارد، در حالی که سبک، به این که فرد دوست دارد چگونه کار انجام دهد، اشاره می کند. براساس تعاریف ارائه شده برای سبک تفکر قانون گذار، افرادی که این سبک را دارند، دوست دارند از قوانین و روش های موجود پیروی کنند، تمایل دارند شکاف های ساختارهای موجود را پر کنند، نه اینکه خود ساختارهایی ایجاد کنند. همان طور که از این تعریف مشخص می گردد، این قبیل افراد به واسطه تمایل به قوانین و راهکار برای حل مسائل و مشکلات زندگی، احساس درماندگی نمی کنند و خود را در سایه حمایت قوانین می بینند و بنابراین می توانند از آرامش حاصل از این احساس، به رضایتمندی از زندگی دست یابند (زانگ، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، انسان در اداره فعالیت های خود، شیوه هایی بر می گزیند که با آن احساس راحتی بیشتری دارد. استرنبرگ معتقد است که شیوه ها متفاوت از توانایی ها است و مستلزم رجحان و برتری دادن است تا هوشیاری در بکارگیری توانایی هایی یک فرد. همینطور، شیوه ها به تنهایی با قابلیت ها یا توانایی، ارتباط ندارند، بلکه شیوه ها، نحوه بیان یا بکارگیری یک یا چند توانایی را نشان می دهند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۹). از طرفی دیگر سبک تفکر سلسله مراتبی ممکن است مرتبط باشد زیرا می تواند بر نحوه درک و هدایت زنان از نقش ها و مسئولیت های خود در ازدواج تاثیر بگذارد. زنان با سبک تفکر سلسله مراتبی ممکن است به روابط زناشویی خود با تمرکز بر ساختار، نظم و نقش های روشن نزدیک شوند. آنها ممکن است برای نقش های جنسیتی سنتی ارزش قائل باشند و تقسیم کار و تصمیم گیری در ازدواجشان را ترجیح دهند. این سبک تفکر ممکن است منجر به احساس وضوح و قابل پیش بینی در رابطه آن ها شود که می تواند به رضایت زناشویی کمک کند. سبک تفکر جزئی نگر به تمایل به تمرکز و توجه به جزئیات خاص، به جای در نظر گرفتن دیدگاهی گسترده تر یا کل نگرتر اشاره دارد (استرنبرگ، ۱۹۹۷). سبک تفکر جزئی نگر ممکن است به سطح بالاتری از ارتباط و حل مسئله در رابطه بینجامد. زنانی که جزئی گرا هستند ممکن است بیشتر به مسائل یا نگرانی های خاص با شریک زندگی خود بپردازند و در مورد آنها بحث کنند، که می تواند منجر به حل تعارض بهتر و رضایت کلی در ازدواج شود. در آخر می توان گفت سبک تفکر درون نگر به تمایل فرد به بازتاب درونی و تحلیل افکار، احساسات و رفتارهای خود اشاره دارد. در زمینه پیش بینی رضایت زناشویی در میان زنان، سبک تفکر درون نگر می تواند مرتبط باشد زیرا می تواند خود آگاهی را افزایش دهد و انعکاس مؤثر را در رابطه ارتقا دهد. زنانی که

¹ Feng & Lee² Zhang

سبک تفکر درون نگر دارند، احتمالاً درگیر درون نگری و خود ارزیابی می‌شوند که می‌تواند به آنها کمک کند نیازها، خواسته‌ها و احساسات خود را در زمینه ازدواجشان بهتر درک کنند (استرنبرگ، ۱۹۹۷؛ ظریفی و زارعی، ۱۴۰۳). این خودآگاهی می‌تواند به ارتباطات مؤثرتر و حل تعارضات در رابطه کمک کند، زیرا زنان با سبک تفکر درون نگر ممکن است بتوانند نیازها و نگرانی‌های خود را به شیوه‌ای سازنده بیان کنند. علاوه بر این، سبک تفکر درون نگر همچنین می‌تواند رشد و توسعه شخصی را در ازدواج تسهیل کند. زنانی که درگیر درون نگری هستند ممکن است تمایل بیشتری برای پذیرفتن مسئولیت اعمال خود داشته باشند و برای بهبود خود تلاش کنند. این می‌تواند منجر به احساس رضایت و رضایت شخصی بیشتر شود که می‌تواند بر رضایت کلی زناشویی تأثیر مثبت بگذارد.

تعارض منافع

هیچ تعارض منافعی بین نویسندگان مقاله وجود ندارد

سپاسگزاری

از تمامی افرادی که ما را در این پژوهش یاری رساندند کمال تشکر را داریم.

منابع

- [۱] اسماعیلی، علی. (۱۳۸۸). روان‌شناسی اجتماعی. تهران، نشر شلاک.
- [۲] اعظمی، زهرا. (۱۴۰۰). پیش بینی کیفیت زندگی بر اساس رضایت زناشویی، سن ازدواج، الگوی همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین شهر ماهشهر. مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۴ (۴۰): ۹۹-۱۱۶.
- [۳] جین، ریدلی و مایکل، کرو. (۱۴۰۰). زوج درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی-رفتاری. ترجمه اشرف سادات موسوی. تهران، مهر کاویان.
- [۴] حمیدی، فریده. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. فصلنامه خانواده پژوهی، ۳ (۹): ۴۴۳-۴۵۳.
- [۵] زندی پور، طیبه، مهرآور مومنی، جاوید. (۱۳۹۰). بررسی رابطه رضایت زناشویی و رضایت شغلی در کارکنان شرکت آب و فاضلاب استان تهران. فصلنامه شغلی و سازمانی، ۳ (۷): ۱۱۳-۱۲۹.
- [۶] سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۷۳). بررسی تأثیرات تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر رضایت زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تربیت معلم، تهران، ایران.
- [۷] سیف، علی اکبر. (۱۳۹۸). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.
- [۸] ظریفی، مزده، و زارعی، اقبال. (۱۴۰۲). رابطه بین سبک‌های تفکر و حل مسئله با رضایت زناشویی در زنان دارای تجربه بدرفتاری هیجانی و فرهنگی همسر. روانشناسی فرهنگی زن، ۱۵ (۵۹): ۷۳-۵۹.
- [۹] عبدالله زاده، حسن. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین صفات شخصیتی و رضایت زناشویی در زوج‌های شهر دامغان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
- [۱۰] فاضل، امین اله، حق شناس، حسن، کشاورز، زهرا. (۱۳۹۰). قدرت پیش بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های زندگی بر رضایت مندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز. جامعه‌شناسی زنان، ۲ (۳): ۱۳۹-۱۶۲.
- [۱۱] فرزاد، ولی‌الله، کدیور، پروین، شکری، امید، و دانش‌پور، زهره. (۱۳۸۶). بررسی تحلیل عاملی تاییدی و همسانی درونی پرسشنامه سبک‌های تفکر (فرم کوتاه) در دانشجویان. فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۲ (۶): ۸۳-۱۰۹.

[۱۲] فولادی، نگار، شهیدی، عنایت الله. (۱۳۹۴). *خلاقیت، سبک تفکر و اختلالات روانی*. کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.

[۱۳] کیانی، احمد رضا، اسماعیلی، نوشین، بشیر گنبیدی، سپیده. (۱۳۹۹). رابطه سبک های تفکر با رضایت زناشویی در معلمان زن و مرد شهر تبریز. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۸ (۲): ۸۱-۱۱۰.

[۱۴] موسوی، رقیه، مرادی، علیرضا و مهدوی هرسینی، سید اسماعیل. (۱۳۸۴). بررسی اثربخشی خانواده درمانی ساختاری در بهبود عملکرد خانواده و تقویت رضایت زناشویی در خانواده های کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی. *خانواده پژوهی*، ۱ (۴).

[۱۵] نصوحی، مینا، و ذاکری، مریم. (۱۳۹۶). نقش سبک تفکر بر رضایت زناشویی زوجی. اولین همایش ملی علوم رفتاری و اسلامی. اردکان.

- [16] Gumus, I. G., & Kislak, S. T. (2019). The predictive role of forgiveness and the level of repetitive thinking on mental health and marital adjustment in married individuals. *Dusunen Adam*, 32(3), 236-245.
- [17] Jafarbegloo, E., Momenyan, S., Khaki, I. (2019). The Relationship Between Sexual Function and Marital Satisfaction in Postmenopausal Women. *Mod Care J*, 16(1):e83687.
- [18] Karney, BR., Bradbury. (2020). Research on Marital Satisfaction and Stability in the 2010s: Challenging Conventional Wisdom. *Journal of Marriage and Family*, 82 (1): 100-116.
- [19] Olson, D.H. (1989). Enrich Marital Inventory: Discriminant Validity and Cross-Validity Assessment. *Journal of Marital and Family Therapy*, 15, 1, 65-79.
- [20] Salvatore, J. E., Gardner, C. O., & Kendler, K. S. (2020). Marriage and reductions in men's alcohol, tobacco, and cannabis use. *Psychological medicine*, 50(15), 2634-2640.
- [21] Sternberg, R. J. (1997). *Thinking styles*. Cambridge University Press. <https://psycnet.apa.org/record/1997-05045-000>
- [22] Sternberg, R.J., & Wagner, R.K. (1992). *Thinking styles Inventory* (Unpublished test, Yale University).
- [23] Tambag, H., Turan, Z., Tolun, S., & Can, R. (2018). Perceived social support and depression levels of women in the postpartum period in Hatay, Turkey. *Niger J Clin Pract*, 21(11):1525-1530. doi: 10.4103/njcp.njcp_285_17.
- [24] Zhang, L. F. & Sternberg, R. J. (2000). Are learning approaches and thinking styles related? A study in two Chinese populations. *The Journal of Psychology*, 134: 469-489.
- [25] Zhang, L. F. (2008). Thinking Styles and Emotions. *The Journal of Psychology*, 142(5), 497-516.
- [26] Zhang, L. F. (2004). Revisiting the Predictive Power of Thinking styles for Academic Performance. *The Journal of Psychology*, 138: 351-370.